

مفهوم «بافت» در حوزه رفتارهای اطلاعاتی

زاهد بیگدلی^۱

سمیه شریفی^۲

چکیده

بافت به عنوان عنصری اساسی برای درک رفتارهای اطلاعاتی، توجه پژوهشگران فراوانی را از این حوزه به خود جلب نموده است. «ایزیک» نام مجموعه کنفرانسهای بین‌المللی است که هر دو سال یکبار با محوریت همین مفهوم برگزار می‌شود. با وجود آنکه بیش از یک دهه از معرفی این مفهوم در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌گذرد، تعریفهای ارائه شده برای این مفهوم مانند مفاهیم اطلاعات و نیاز اطلاعاتی، متعدد و تا حدودی متفاوت است. از سوی دیگر، گاهی بافت را با وضعیت یکی پنداشته‌اند. در ارتباط با رویکردهای بافتی نیز اختلاف نظر بسیاری به چشم می‌خورد. برخی از پژوهشگران رویکردهای عینی را در مطالعات خود به کار می‌گیرند و برخی دیگر رویکردهای تفسیری را مناسب‌تر می‌پندارند. این مقاله به معرفی این مفهوم پرداخته و رویکردهای رایج مرتبط با آن و همچنین پژوهشهای انجام شده در ارتباط با مفهوم بافت را به طور اجمال بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها: بافت، وضعیت، ایزیک، رویکرد عینی، رویکرد تفسیری، رفتار اطلاع‌یابی.

مقدمه

یکی از مفاهیم اساسی که در حوزه علم اطلاعات ظهور کرده بافت است که به عنوان منبعی از معنا برای رفتار اطلاعاتی بشر به شمار می‌رود. بافت، پدیده‌ای چند

.....
۱. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز E-mail: bigdeli_zahed@yahoo.co.in

۲. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی E-mail: sharify_s83@yahoo.com

بعدی است که از مدتها قبل، موضوع مباحثات پژوهشی در بسیاری از حوزه‌ها بوده است. در کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز اخیراً این مفهوم مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. آن گونه که جانسن (۲۰۰۳) ابراز می‌دارد «عموماً در مفهوم‌سازی جهان، گرایش به تمرکز بر اشیا و نه محیطهای آنها، بر پیامها یا افراد و نه بافتهایی^۱ که آنها را در بر گرفته‌اند، وجود دارد. انسانها معمولاً بر فرایندهایی که به آنها علاقه‌مندند، و نه بر بافتهای اجتماعی پراکنده که آنها را شکل داده، در بر گرفته و محصور نموده‌اند، تمرکز می‌کنند».

هنگامی که «دروین»^۲ در کنفرانس اینزیک^۳ (۱۹۹۶) پرسش «بافت چیست؟» را مطرح کرد، خاطرنشان ساخت که این پرسش در هیچ یک از مقاله‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی مطرح نشده است.

ممکن است معلوم شود که مفهوم بافت مانند اطلاعات یا حتی نیاز اطلاعاتی، مفهومی تعریف‌گریز است. به عبارت ساده‌تر، بافت می‌تواند به شیوه‌های متعددی تعریف شود و مانند هر پدیده اجتماعی، تنها زمانی که به روشهای متعدد مطالعه یا بررسی گردد، بیشترین غنای خود را نمایش می‌دهد. به اعتقاد «کوهلثا» (نقل در کوهلثا و واکاری^۴، ۱۹۹۹) چشم پوشی از بافت، چشم پوشی از انگیزه‌ها و محرکهای اساسی است که کاربر را به فرایند اطلاع‌یابی بر می‌انگیزانند.

تعاریف

«دروین» (نقل در تالجا، کزو و پیٹیلینن^۵، ۱۹۹۹) در تحلیل رویکردهای بافت‌گرا اظهار می‌دارد که هیچ اصطلاحی به اندازه «بافت» به کار نرفته است، اما

.....

۱. واژه‌نامه آریان‌پور (۱۳۷۷) معادلهای روبرو را برای context ارائه داده است: هم بافت، متن، قرینه، فحوا، سیاق، بافتار، بافت در این مقاله معادل بافت برای این واژه برگزیده شد.

2. Dervin.
3. Information Seeking in Context (ISIC).
4. Kuhlthau & Vakkari.
5. Talja, Keso & Pietilainen.

این اصطلاح کمتر تعریف شده و اگر هم تعریف شده باشد، تعریفها متنوع و گاه متفاوت بوده‌اند. در ادامه، تعدادی از این تعریفها ارائه می‌شود.

واژه‌نامه امریکن هریتیج^۱ (۱۹۸۵) بافت را «شرایطی که در آن رویداد یا وضعیت ویژه‌ای رخ می‌دهد و یا ماهیت گروهی از رویدادها»، تعریف نموده است. به اعتقاد تالجا، کزرو و پیتلیسن (۱۹۹۹) بافت در مطالعات مربوط به علم اطلاعات عموماً به هر عامل یا متغیر زمینه‌ای و بافتاری که به نظر می‌رسد رفتار اطلاع‌یابی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اطلاق می‌گردد؛ مانند شرایط اجتماعی - اقتصادی، نقشهای کار، وظایف، وضعیتهای مشکل‌ساز، جوامع و سازمانها و ساختار و فرهنگهایشان و ...

«کاری و ساولینن»^۲ (۲۰۰۷) اظهار می‌دارند که در علوم انسانی، منظور از بافت صرفاً عواملی برون از متن می‌باشد. زمانی که این ایده به حوزه مطالعات اطلاعات تعمیم یابد، می‌توان گفت که پژوهشهای پژوهشگران علم اطلاعات از دو نوع پدیده تشکیل یافته است: پدیده‌های اطلاعاتی و بافت. بنابراین، طبق یک تعریف بسیار کلی، بافت به معنای هر زمینه‌ای^۳ برای پدیده‌های اطلاعاتی است. بافت تمام آن چیزهایی است که بخش ذاتی از پدیده‌های اطلاعاتی به شمار نمی‌رود، با وجود این، با آنها در ارتباط است. بدون بافت، پدیده‌های اطلاعاتی معنای خود را از دست می‌دهند.

«آلن»^۴ (۱۹۹۷) بافتها را محیطهای^۵ گسترده‌تر و به طور اجتماعی تعریف شده‌ای مانند محیطهای کار و وظیفه می‌بیند که وضعیتهای گوناگونی درون آنها روی می‌دهد (یادداشت سردبیر میهمان^۶، ۲۰۰۲).

-
1. American heritage Dictionary.
 2. Kari & Savolainen.
 3. Background.
 4. Allen.
 5. Settings.
 6. Guest Editorial.

«ساننوالد»^۱ (۱۹۹۹) بافت را «جوهرهٔ مجموعه یا گروهی از وضعیتهای گذشته، حال و آینده» تعریف نموده است. وی به نقل از «شاتز و لاکمن»^۲ (۱۹۷۳) در تعریف بافت می‌نویسد: «معمولاً میزان درک مشترکی از بافت در میان شرکت کنندگان در آن به چشم می‌خورد؛ این درک مشترک لزوماً یکسان یا کامل نیست». به اعتقاد ساننوالد (۱۹۹۹) می‌توان دانشکده، زندگی خانوادگی، شهروندی و باشگاه‌ها را نمونه‌ای از «بافتها» به شمار آورد. *بافتها* دارای مرز، محدودیت و امتیازهایی می‌باشند که توسط شرکت کنندگان در آنها و بیگانه‌ها محسوس می‌باشد. این مرزهای محسوس ممکن است برای تمامی شرکت کنندگان و غیرشرکت کنندگان یکسان نباشند، با وجود این اغلب بر تعدادی از این مرزها توافق دارند. به عبارت دیگر، میزان درک مشترکی دربارهٔ *بافت* وجود دارد. به عنوان مثال، اغلب پژوهشگران حوزهٔ دانشگاه توافق دارند که نوشتن مقاله‌ها برای مجله‌ها و کنفرانسها عموماً در *بافت* دانشگاه روی می‌دهد تا زندگی خانوادگی؛ بدین معنا که نوشتن مقاله در محدودهٔ *بافت* دانشکده و خارج از مرزهای زندگی خانوادگی است. ما پیوسته دربارهٔ *بافت* در جهان روزانهٔ خود سخن می‌گوییم؛ ما از «در *بافت* بزرگتر»، «در *بافت* کوچکتر»، «در *بافت* وسیع‌تر»، «در *یک بافت* محدودتر»، «در *یک بافت* بهتر تعریف شده»، سخن می‌گوییم. این عبارتها در درک این مفهوم که *مرزهای بافتها* انعطاف‌پذیر و در معرض تغییرات می‌باشند، به ما یاری می‌رسانند و می‌توانیم دربارهٔ آنها بحث کنیم.

به باور دروین (نقل در ساننوالد، ۱۹۹۹) *بافتها* از آن روی که قابل توصیف شدن به وسیلهٔ انواع متعددی از ویژگیها می‌باشند، چند بُعدی تلقی می‌گردند. شناسایی این ویژگیها و اهمیت آنها در رفتار اطلاعاتی، موضوع بسیاری از

-
1. Sonnenwald.
 2. Schutz & Luckman.

پژوهشهاست. نمونه‌ای از ویژگیهایی که برای توصیف *بافتها* مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از: مکان، زمان، اهداف، وظایف، نظامها، وضعیتها، فرایندها، سازمانها و نوع شرکت کنندگان. مشکل زمانی بروز می‌کند که در پی توصیف جامع یک *بافت* برمی‌آییم. به عنوان مثال، همان طور که سایمون^۱ (نقل در سانوالد، ۱۹۹۹) خاطر نشان می‌سازد، در نگاه یک پرنده از مورچه‌ای که در دو نقطه‌ای به موازات ساحل شنی در حال حرکت کردن است، مسیر به ظاهر نامعین^۲ به نظر می‌رسد. تنها زمانی که به مسیر مورچه از زاویه سه بعدی بنگریم و به تپه‌ها و دره‌هایی که با دانه‌های شن ایجاد می‌گردند توجه کنیم، در خواهیم یافت که مسیر مورچه نامعین و بی‌هدف نیست، بلکه ابتکاری و ماهرانه است.

توصیف *بافت* دشواریهای بیشتری هم به دنبال دارد، زیرا *بافتها*، ماهیتهای ملموسی نیستند و یک یا تعداد بیشتری از *بافتها* ممکن است در برخی از ویژگیها سهیم باشند. به عنوان مثال، یک عضو هیئت علمی ممکن است یک مدرس، پژوهشگر و مدیر باشد. از زاویه دید یک بیگانه، تعیین زمانی که رفتار هیئت علمی به *بافت* آموزش، پژوهش یا مدیریت ارتباط یابد، دشوار خواهد بود. یک فرد ممکن است به طور همزمان محدودیتهای *بافتها* متفاوت را مرتفع سازد. به عنوان مثال، والدینی که در صورت نبود گزینه‌ای برای مراقبت از کودکان خود، آنها را با خود به اداره می‌آورند. اغلب در هنگام بروز تعارض میان *بافتها*، آشنایی ما با آنها بیشتر خواهد شد.

تفاوت بافت و وضعیت^۳

همان‌طور که در متن مقاله نیز آمده است، به طور خلاصه وضعیت مجموعه‌ای از فعالیتها یا رفتارهای مرتبطی است که طی زمان روی می‌دهند و بافت

1. Simon.
2. erratic.
3. Situation.

شرایط یا محیطی است که در آن یک یا چندین وضعیت رخ می‌دهد. پس بافت از وضعیت گسترده‌تر بوده و آن را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال، دانشگاه را می‌توان بافتی دانست که وضعیتهایی نظیر آموزش دوره‌های مختلف و انواع همایش در آن روی می‌دهد.

از جمله مفاهیمی که با بافت ارتباط نزدیکی دارد و حتی در بسیاری موارد با آن یکی پنداشته می‌شود، وضعیت است. «واکاری» (۱۹۹۷) در اولین کنفرانس ایزیک در سال ۱۹۹۶ اظهار داشت که در اغلب اوقات مفاهیم اساسی نظیر وضعیت و بافت به طور متداول مورد استفاده قرار می‌گیرند، بدون آنکه تلاشی در جهت کشف معنای دقیق آنها صورت گیرد (یادداشت سردبیر میهمان، ۲۰۰۲).

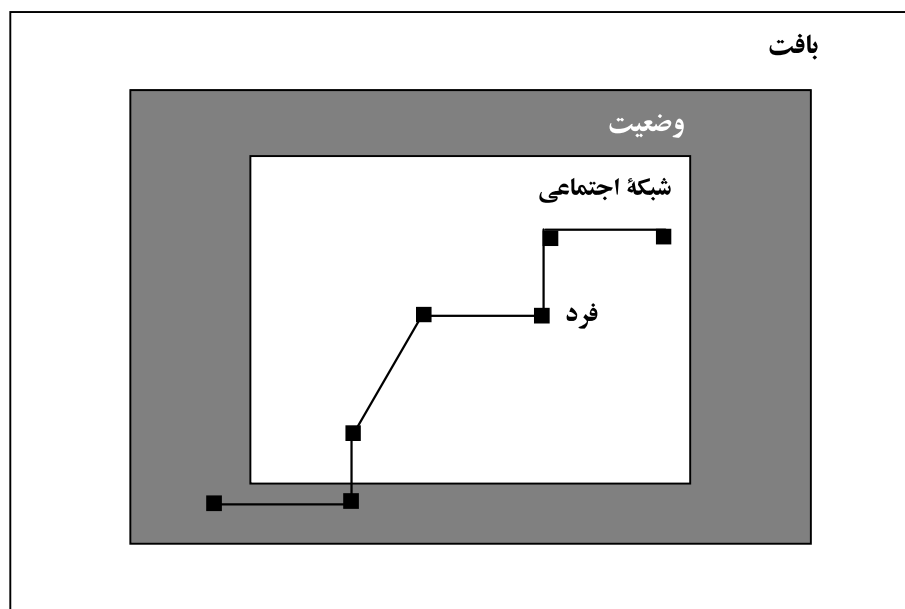
«سانوالد» (۱۹۹۹) از جمله پژوهشگرانی است که رابطه میان بافت و وضعیت را به خوبی به تصویر کشیده است. وی معتقد است در هر بافت، جریانی از وضعیتهای وجود می‌آید. به عنوان مثال، درون بافت دانشگاه، آموزش یک دوره و شرکت در یک همایش دو نوع از انواع وضعیتهای می‌باشند. عبارت، «بافت یک وضعیت» در به تصویر کشیدن رابطه میان وضعیتهای و بافتهای یاری می‌رساند. یک بافت تا حدی بزرگتر از یک وضعیت بوده و ممکن است انواع وضعیت را دربر گرفته باشد. بافتهای مختلف ممکن است انواع متفاوتی از وضعیتهای را دربر گیرند. یک وضعیت ممکن است به صورت مجموعه‌ای از فعالیتهای مرتبط یا مجموعه‌ای از داستانهای مرتبطی که طی زمان روی می‌دهند، توصیف شود. به عبارت دیگر، می‌توان وضعیتهای را به وسیله فعالیتهای رفتاری که طی زمان روی می‌دهند و با شرکت کنندگان و یا بیگانه‌ها به هم ارتباط می‌یابند، توصیف نمود. به عنوان مثال، در هنگام شرح فعالیتهایی که در میان افرادی که بر روی یک طرح یا در یک سازمان مشغول به کار می‌باشند، عبارتهایی نظیر «وضعیت ... است»؛ «وضعیت به طور مختصر

... است؛ «در این وضعیت ...» و «آن وضعیت است» به طور متداول در معرفی و نتیجه توضیحات به کار می‌روند. افراد ممکن است وضعیت مشابه را تا حدودی متفاوت توصیف کنند. به عبارت دیگر، افراد با توجه به تجربه‌های گذشته خود و دانش وضعیتهای مشابه یا به دلیل داشتن امتیاز دسترسی به اطلاعات مربوط به فعالیتها، روابط متفاوتی را در میان فعالیتها بینند. به عنوان مثال، کارکنان سطوح بالاتر یک سازمان اغلب دارای اطلاعاتی درباره فعالیتهای مدیریت رده بالاتر می‌باشند که دیگر کارکنان به آنها دسترسی ندارند. بنابراین، توصیف آنها از یک وضعیت در برگیرنده مدیریت بالاتر، ممکن است از توصیف دیگری متفاوت باشد. با وجود این، زمانی که توصیفات وضعیت مشابه هیچ وجه مشترکی نداشته باشند، فرد ارائه‌دهنده توصیف منحصر به فرد را دیوانه می‌نامیم، و یا اگر طی زمان ثابت شود که توصیف وی درست بوده است، او را نابغه قلمداد خواهیم نمود.

وضعیتهای درون هر بافت لزوماً وقایع ملموس با ترتیب خطی نمی‌باشند. به عنوان مثال، همزمان با شرکت در نشستی به منظور ایجاد یک برنامه درسی برای یک دوره تحصیلی (وضعیتی که درون بافت دانشکده‌ای روی می‌دهد)، یک عضو هیئت علمی ممکن است مکالمه تلفنی با همسر خود داشته باشد و به بحث درباره مسائل خانوادگی و خصوصی بپردازد (وضعیتی که درون بافت زندگی خانوادگی بروز می‌نماید).

از سوی دیگر، مفهوم شبکه‌های اجتماعی در ارتباطات و علوم اجتماعی به کار رفته است و به ارتباط میان افراد بویژه در الگوهای ارتباط اطلاق می‌گردد. شبکه‌های اجتماعی به ساختن وضعیتها و بافت یاری می‌رسانند و خود نیز توسط بافتها و وضعیتها ساخته می‌شوند. به عنوان مثال، یکی از دلایلی که سبب می‌شود فراگیران به دوره‌های آموزش از راه دور به شیوه پخش یک طرفه تمایلی نشان ندهند، آن است که این دوره‌ها یک شبکه اجتماعی را برای فراگیر نمی‌آفریند؛

تداوم علایق فراگیر طی زمان بدون تعامل اجتماعی می‌تواند دشوار گردد. (به منظور درک رابطه میان شبکه‌های اجتماعی، وضعیتها و بافتها به شکل ۱ در زیر توجه کنید. درون یک بافت ویژه، یک وضعیت مفروض روی می‌دهد. در بافت و وضعیت، یک شبکه اجتماعی وجود دارد. افراد، اعضای شبکه اجتماعی می‌باشند. بسیاری از اعضای شبکه اجتماعی، شرکت کنندگان در یک وضعیت می‌باشند، اما نه همه آنها. به عنوان مثال، همایش هیئت علمی دانشکده‌ای که در آن اغلب اما نه همه اعضای هیئت علمی حضور دارند (سانوالد، ۱۹۹۹).



شکل ۱. نمونه ساده‌ای از یک شبکه اجتماعی درون یک وضعیت و بافت مفروض

می‌توان با استفاده از این سه مفهوم - بافت، وضعیت و شبکه اجتماعی - به بررسی رفتار اطلاعاتی انسان پرداخت. رفتار اطلاعاتی انسان توسط افراد، شبکه‌های اجتماعی، وضعیتها و بافتها شکل می‌گیرد. فرد درون یک بافت و وضعیت ویژه ممکن است با نیاز اطلاعاتی مواجه گردد. وضعیت و بافت در تعیین نیاز اطلاعاتی

سودمند می‌باشند. علاوه بر این، فرد، شبکه اجتماعی، وضعیت و بافت ممکن است به تعیین منابع اطلاعاتی موجود برای رفع نیاز اطلاعاتی یاری رسانند. به عنوان مثال، وظیفه اصلی یک دانشجوی دکتری، شناسایی پرسشها و منابع «خوب» مورد نیاز برای بررسی یا مورد خطاب قرار دادن پرسش پژوهش است. فرد دانشجو، شبکه اجتماعی آنها (به عنوان مثال کمیته آنها)، وضعیت (وظیفه پایان نامه دکتری) و بافت (گروه، رشته، وضعیت موجود و ...) به شکل گیری پرسش و منابع موجود یاری می‌رساند. پرسش و پاسخ به آن نیز به نوبه خود در شکل دهی به فرد، شبکه اجتماعی، وضعیت و بافت یاری‌رسان می‌باشد (سانوالد، ۱۹۹۹).

رویکردهای رایج درباره بافت: رویکرد عینی^۱ و رویکرد تفسیری^۲ رویکرد عینی

این رویکرد در مطالعات اطلاعاتی متداول تر است. در این رویکرد، بافت برانگیخته شده و توصیف می‌گردد، اما نه به شکل فلسفی و نظری. عوامل اجتماعی، فرهنگی، شخصی، وضعیتی و سازمان به عنوان موجودیتهای مجزا و متمایز (متغیرهای مستقل و وابسته) تلقی می‌گردند که رفتار فرد را به شیوه‌های مختلف محدود می‌کند و یا برمی‌انگیزانند. موجودیتهای بافتی در این رویکردها، زمینه‌ای برای مطالعه رفتار اطلاعاتی فرد یا گروهی خاص فراهم می‌آورند، البته نه به منظور نشان دادن چگونگی دانش بافتی. بافت در اینجا به واقعیتی عینی اطلاق می‌گردد. در پژوهشهای مبتنی بر این رویکرد، بافت معمولاً با نامگذاری موجودیتهای تأثیرگذار بر موضوع پژوهش (کنشگران، ساختارها و ویژگیها) خلق می‌گردد. این نامگذاری فوایدی را در پی خواهد داشت.

-
1. Objectified.
 2. Interpretative.

اول، اینکه آنها خواننده را از مرتبط بودن پدیده مورد مطالعه با واقعیت مطمئن می‌سازند.

دوم، نامگذاری موجودیتهای تأثیرگذار بر موضوع پژوهش (کنشگران، ساختارها و ویژگیها)، جنبه‌های متعدد پدیده مورد مطالعه را آشکار می‌سازد. سوم، آنها انواع عوامل مرتبط با موضوع پژوهش را محدود کرده و کاهش می‌دهند تا بدین ترتیب پدیده تحت بررسی را از جریان فرهنگی زندگی روزمره جدا سازند تا بتوان آن را با کمک مفاهیم علمی توصیف و تحلیل نمود.

چهارم، آنها اعتبار پژوهش را تقویت و ارتباط میان نتایج پژوهش و واقعیت را توجیه می‌کنند و در نهایت، زاویه دید پژوهشگر را ترسیم می‌نمایند، بدون آنکه لازم باشد پژوهشگر موقعیت نظری یا فرضیه‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی خود را شرح دهد. خلق بافت با نامگذاری موجودیتهای تأثیرگذار بر موضوع پژوهش، بدان معناست که زبان، واقعیت و حقایق را به صورت عینی توصیف می‌کند. پذیرش این نگرش طبیعی، توصیف عوامل بافتی و تأثیر آنها را شفاف و بدون مسئله می‌سازد. با وجود این، عوامل مرتبط و نیز معانی موجودیتهای خاص (مانند فرهنگها یا ساختارهای سازمانی) به طور پیوسته درون رشته در حال بحث و بازتولید می‌باشند. به عنوان مثال، در مطالعات علم اطلاعات متداول شده است که هر پژوهشگری، الگوی متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار اطلاع‌یابی خود را استنتاج نماید. بنابراین، در نگاه اول به نظر می‌رسد هیچ تداومی در درک بافت وجود ندارد یا اینکه، تنها تداوم مفهومی ضعیفی میان مطالعات وجود دارد. در حالی که هیچ سیاهه ثابتی از عوامل بافتی برای استفاده در مطالعات علم اطلاعات وجود ندارد.

با وجود این، در هر بافت، گرایش طبیعی به استفاده از عواملی که به طور گسترده شناخته و پذیرفته شده‌اند، به عنوان عوامل متعلق و مرتبط با بافت در آن

حوزه ویژه وجود دارد. ایده‌های حوزه‌ای خاص از پژوهش هیچ‌گاه کاملاً به شکل نو خلق نمی‌شوند؛ بلکه الگوهای آشنای موجود تکرار می‌گردند، حتی زمانی که آنها پالایش و دوباره طراحی شده باشند. بنابراین، تداوم پژوهش علم اطلاعات صرفاً در توصیف یکسان موجودیتهای تأثیرگذار بر موضوع پژوهش و در تعریف موضوع پژوهش به عنوان رفتار اطلاع‌یابی است.

این‌گونه مفهوم‌سازیها چنان آشنا و قابل پذیرش شده‌اند که پژوهشگران معمولاً نیازی به بحث در مورد آنها در خود احساس نمی‌کنند. در این رویکرد، تصور بر آن است که به هر میزان متغیرها یا عوامل بافتی بیشتری مورد ملاحظه قرار گیرند، اطمینان از ماهیت موضوع پژوهش افزایش خواهد یافت. چنانچه کمیت داده‌ها بیشتر باشد و این داده‌ها توسط منابع و فنون گردآوری متعددی از قبیل یادداشت برداری روزانه، مصاحبه و مشاهده فراهم شوند، پژوهش معتبرتر تلقی خواهد گردید. بنابراین، در اصل به نظر می‌رسد در خلق معنا از داده‌ها، نویسنده متن نباید هیچ تأثیری بر روی توصیفها داشته باشد.

از این منظر، منابع از پیش خلق شده‌ای نظیر مقاله‌ها، منابع ردیف دوم تلقی می‌گردند زیرا واقعیت، پیش از این در آنها تحریف شده است. بنابراین، جهان عینی از طریق منابع ردیف دوم به شیوه مستقیم درست به شیوه داده‌های اولیه (به عنوان مثال، مشاهده، یادداشت روزانه) توصیف نمی‌شود، زیرا منابع ردیف دوم در ارتباط با واقعیت جایگاه معتبری ندارد و بنابراین به طور جامع پدیده تحت بررسی را شکل نمی‌دهند. پیشینه‌ها تنها در نوشتن فرضیه‌ها و بحث در مورد نتیجه به کار گرفته می‌شوند. یافته‌های پژوهشگر را نباید با یافته‌های دیگران درهم آمیخت. اعتبار گزینش منابع داده‌ها و گردآوری داده‌ها نیز مورد تردید است.

در رویکرد عینی، عوامل اجتماعی و محیطی گوناگون به عنوان عوامل تأثیرگذار بر رفتار فرد یا گروه - کانون پژوهش - تلقی می‌شوند. چنین استدلال شده است که زمانی که موضوع پژوهش به عنوان الگوهای رفتاری تعریف می‌گردد نیاز اطلاعاتی، جستجوی اطلاعات و استفاده از اطلاعات به عنوان پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار نمی‌گیرند، زیرا عوامل اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به عنوان عوامل خارجی به شمار می‌روند. داده‌ها از مدارکی تشکیل شده‌اند که در برگزیده گزاره‌های کم و بیش واقعی درباره آنچه در واقعیت یا در تجربه‌ها و فرایندهای شناختی شرکت‌کنندگان روی داده است، می‌باشند (تالجا، کزو و پیتلین، ۱۹۹۹).

رویکرد تفسیری

در این رویکرد، بافت نه به عنوان یک موجودیت مستقل، بلکه به عنوان حامل^۱ معنا در نظر گرفته می‌شود. عوامل بافتی در اینجا، موجودیتهای مستقل و مجزا که تأثیرهای متفاوتی بر موضوع پژوهش که خود نیز موجودیتی ثابت و بدون مسئله است، قلمداد نمی‌گردند. در این رویکرد، مفهوم‌سازیها یا دقیقتر بگوییم، قالبهای ارجاع است که انواع موجودیت (کنشگرها، ساختارها و ویژگیها) را وارد زاویه دید پژوهشگر می‌سازند. این موجودیتهای به همین شکل وجود ندارند تا توسط پژوهشگر شناسایی و توصیف شوند، بلکه موجودیتهای بافتی در فعالیت اجتماعی پژوهشگر، درست به شیوه مشابه موضوع پژوهش، شکل می‌گیرند. انواع خاص مفهوم‌سازی، پژوهشگر را قادر می‌سازند تا به نیاز اطلاعاتی، جستجوی اطلاعات و استفاده از اطلاعات از زاویه‌ای خاص نزدیک شده و شیوه‌های دیگری را که در آن نیز این پدیده‌ها قابل بررسی خواهند بود، محدود نماید.

.....
1. Carrier.

در رویکرد تفسیری، داده‌ها به عنوان توصیفات مستقیم از واقعیت به شمار نمی‌روند، بلکه داده‌ها نمایانگر واقعیت اجتماعی می‌باشند. از این دید، مشاهده و مصاحبه مانند مقاله‌ها بیانگر بافتهای مختلف تعامل و معنا بخشی هستند، اما هیچ یک از دیگری معتبرتر یا توصیف بدون واسطه‌ای از واقعیت نبوده و یا کمتر از سایرین از رویه‌های زبانی یا بازیهای زبانی تأثیر پذیرفته است. شرحی که افراد از رفتار خود ارائه می‌دهند، بر اساس معنایی از نظر فرهنگی مشترک شکل می‌گیرند (سیلورمن^۱، ۱۹۸۵ نقل در تالجا، کزو و پیتلین، ۱۹۹۹). بنابراین، به دست آوردن اطلاعات ناب یا معتبر درباره رفتار اطلاعاتی که فرضهای بافتی پنهان پژوهشگر و شرکت کننده تأثیر پذیرفته باشد، دشوار به نظر می‌رسد.

در رویکرد تفسیری، پژوهشها بر معانی و ارزشهایی که افراد به اطلاع یابی، محیط اطلاعاتی خود و انواع فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی - که می‌توانند به عنوان ابزارهای اطلاع یابی به کار روند - پیوند می‌دهند، تمرکز یافته‌اند. این معانی و ارزشها ذاتاً اجتماعی، فرهنگی و تاریخی در نظر گرفته می‌شوند. داده‌ها، نمونه‌هایی از واقعیت اجتماعی و دربرگیرنده انواع خاصی از تفسیرها درباره ماهیت واقعیت و پدیده‌های مختلف می‌باشند (تالجا، کزو و پیتلین، ۱۹۹۹).

علاوه بر دو رویکرد عینی و تفسیری، «جانسن» (۲۰۰۳) رویکردهای مربوط به بافت را از سه جهت بررسی نموده است: بافت به عنوان مترادفی برای وضعیت، به عنوان نوعی پیوند یا وابستگی اتفاقی یا یک رابطه^۲، و یا به عنوان یک چارچوب. دو برداشت نخست را می‌توان معادل رویکرد عینی دانست و مفهوم چارچوب، رویکرد تفسیری را تداعی می‌کند. این رویکرد علاوه بر سیاهه کردن عوامل مختلف، روابط میان این عوامل با محیط پیرامونش را بررسی می‌کند.

1. Silverman.
2. Contingency.

به اعتقاد وی، پژوهشگرانی که در مطالعات خود بافت را مترادفی برای وضعیت می‌پندارند، ویژگیهای مفصلی از محیط دربرگیرنده فرایند اطلاع‌یابی را ارائه به یک توصیف عینی و جامع بسنده می‌کنند و به شرح پیوند میان عوامل وضعیتی و فرایند مورد نظر نمی‌پردازند. پژوهشگرانی که بر بافت به عنوان یک رابطه تأکید می‌کنند، از سیاهه کردن عوامل در یک وضعیت فراتر می‌روند تا به تعیین عناصر فعال در یک بافت و رابطه آنها با فرایندها بپردازند. اساس این رویکرد، این فرض کلی‌تر می‌باشد که اثربخشی هر موجودیت (مانند فرد، واحد) از طریق تطابق میان ویژگیهایش با ویژگیهای ساختاری و محیط پیرامون آن تعیین می‌گردد. این دو رویکرد، نقاط مشترک بسیاری دارند: در هر دو، فرض بر آن است که ویژگیهای عینی یک محیط هستند که یک بافت واقعی را فراهم می‌سازند (رویکرد عینی). تفاوت عمده میان آن دو، به سطح دقت نظری آنها باز می‌گردد: رویکردهای هم رویداد به هم وابسته^۱، یا رویکردهایی که دارای پیوند اتفاقی هستند، به سوی نظریه‌های کلاسیک و گسترده‌ای در حرکت می‌باشند.

در بررسی بافت به عنوان یک چارچوب، به اعتقاد «هیچ»^۲ (۱۹۹۳) (نقل در جانسن، ۲۰۰۳) مفهوم چارچوب عمدتاً به عنوان شیوه نگرش به جهان و تفسیر ذهنی آن می‌باشد و به عقیده «گری»^۳ (۱۹۹۶) (نقل در جانسن، ۲۰۰۳) چارچوب به عنوان ابزارهای معنا بخشی که پارامترهای یک مسئله را تثبیت می‌سازند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر افرادی نظیر «بلمن و دیل»^۴ (۱۹۹۱) (نقل در جانسن، ۲۰۰۳) چارچوبها پنجره‌هایی به سوی جهان و لنزهایی می‌باشند که همزمان که جهان را کانون تمرکز قرار می‌دهند، برخی از محرکها را پالایش می‌کنند.

-
1. Contingent approach.
 2. Hecht.
 3. Gray.
 4. Bolman & Deal.

در اغلب نگرشهای پست مدرنیسمی بافت، فرض بر آن است که افراد خود بافتهایشان را مقرر نموده و تفسیرهایشان را از بافتهایی که در آنها به سر می‌برند، برمی‌گزینند. اغلب مفاهیم پست مدرن بافت با توجه به فرضیه‌های تفسیری پایه، شیوه‌های متفاوتی درباره نگرش به جهان مشابه را ارائه می‌کنند. این نگرش به شدت ذهنی از جهان، در بررسی چارچوبهای اصلی برای تعامل که تفسیر و معنا بخشی را شکل می‌دهند، بررسی می‌شوند (جانسن، ۲۰۰۳).

کنفرانس ایزیک (جستجوی اطلاعات در بافت)

بافت، به عنوان عنصری اساسی برای درک رفتارهای اطلاعاتی، توجه بسیاری از پژوهشگران این حوزه را به خود جلب نموده است. توجه در حال افزایش به مفهوم بافت ممکن است واکنشی به محدودیت دیدگاه عینی در ارتباط با ارضای نیازهای اطلاعاتی از طریق تطابق پرسش درون یک نظام باشد. پژوهشهای مرتبط با مفهوم بافت، بر رویکرد کاربر مدار به مطالعه جستجو و استفاده از اطلاعاتی تأکید می‌کنند که کانون توجه این رویکرد بر کاربران واقعی با نیازهای اطلاعاتی واقعی است که توسط وضعیتهایی که در زندگی روزمره ظهور می‌کنند، برانگیخته شده‌اند. ایزیک، موضوع مجموعه‌ای از کنفرانسهای پژوهشی بین‌المللی بوده است که اولین آنها در اگوست ۱۹۹۶ در دانشگاه تمپر^۱ فنلاند برگزار گردید.

اگرچه پژوهشگران با دیدگاه‌های گوناگونی در این کنفرانس حضور می‌یابند، رشته‌های مفهومی مشترکی در آثار مختلف آنها به چشم می‌خورد. چارچوب نظری زیربنای این آثار بر ساختارگرایی، هم از نقطه نظر فردی و هم از نقطه نظر اجتماعی، تأکید دارد. به اطلاع یابی و استفاده از اطلاعات، فراتر از

.....
1. Tampere.

موضوعیت^۱ پرسش نگریسته می‌شود و بر دیدگاه کلی نیازهای اطلاعاتی طی دوران زندگی افراد تمرکز شده است. پژوهشهای مرتبط با بافت در اطلاع‌یابی، بر روش‌شناسی تأکید دارد که به رویکردهای جدیدی در روشهای پژوهش منجر گردد تا در نهایت بتواند جنبه‌های گسترده‌تری از زندگی کاربران را نسبت به روشهایی که پیش از این در پژوهشهای علم اطلاعات شناسایی شده‌اند، مورد خطاب قرار دهند.

تعجیبی ندارد که غلبه با روشهای کیفی است. با وجود این، نشانه‌هایی دال بر حرکت به سمت روشهای متعدد و رویکردهای خلاقانه‌تر مشاهده می‌شود. روش‌شناسی توجه اولیه این پژوهشگران است که بخش اعظم آثار خود را به موضوعات مرتبط با روش پژوهش معطوف داشته‌اند (کوهلثا و واکاری، ۱۹۹۹).

نمونه‌هایی از مطالعات انجام گرفته با محوریت مفهوم بافت

نظریهٔ معنابخشی دروین بر روش‌شناسی در بررسی انسان و جهان او تأکید دارد که زمان، فضا، جنبش، شکاف، قدرت، محدودیت و اجبار (عناصر بافت) را دربر گرفته و می‌تواند پیچیدگیهای ظریف مطالعه رفتار انسان را مورد خطاب قرار دهد. به اعتقاد وی، مطالعهٔ سنتی اطلاع‌یابی و استفاده از اطلاعات، به طور ضمنی بر این فرض پایه‌ریزی گردیده است که پدیدهٔ مورد مطالعه به شکل سطحی قابل کنکاش است. در مقایسه، معنابخشی بر این فرض استوار گردیده است که بیان تجربه‌های زندهٔ یک فرد از جمله کشمکش‌ها و مقاومتها با نظم مفروض، به خودی خود یک سفر معنابخشی است.

.....
1. Topicality.

برخی دیگر از آثار این حوزه بر بررسی اطلاع یابی در زندگی روزمره (بافت) تمرکز یافته‌اند؛ از جمله، اثر ساولینن (۱۹۹۷) که در ارتباط با نقش اینترنت در اطلاع یابی زنان خانه‌دار فنلاندی است. او گزارش داد که اگرچه به نظر می‌رسد فناوری اینترنت در شرف ایجاد تأثیری خارق‌العاده در زندگی روزمره افراد است، تأثیر کمی بر دامنه گسترده شرکت کنندگان در زمان این مطالعه برجای گذاشته است.

«راس»^۱ (نقل در کوهلثا و واکاری، ۱۹۹۹) به مطالعه پدیده مواجهه با اطلاعات در رمانها و تأثیر مهم آن بر زندگی خوانندگان (بافت) پرداخت. اگرچه این کاربران واقعاً به اطلاع یابی به شیوه رسمی نپرداخته‌اند. در این پژوهش «راس»، استفاده از اطلاعات را که شامل اشتغال فعال برای معنا بخشی از متن صورت می‌گیرد و نیز شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر این قضاوتها را مطالعه کرد. برخی دیگر سعی دارند میان اطلاع یابی و بازیابی اطلاعات ارتباط برقرار کنند.

«واکاری» (نقل در کوهلثا و واکاری، ۱۹۹۹) در پژوهش خود سعی داشت نتایج مطالعات اطلاع یابی را با بدنه دانش در بازیابی اطلاعات پیوند بزند. وی پژوهش خود را به بافت وظایف مرتبط با کار محدود نمود و نتیجه گرفت که اطلاع یابی در فعالیتهای مولد آن دربرگرفته شده است. وی براین باور است که پژوهشهای اطلاع یابی که پیچیدگی‌ها و ساختار مشکلات و وظیفه شغلی را مورد خطاب قرار می‌دهند، می‌تواند در پژوهشهای مربوط به بازیابی اطلاعات سودمند باشد. «ویلسن» (نقل در کوهلثا و واکاری، ۱۹۹۹) شماری از الگوهای رفتار اطلاعاتی را بررسی و الگویی مبتنی بر حل مشکل پایه‌ریزی نمود. جنبه اساسی فرایند حل مشکل، کاهش عدم اطمینان است. ویلسن یافته‌های اولیه‌ای را در

.....
1. Ross.

خصوص روابط میان سبکهای شناختی فرد، عدم اطمینان و جستجوی اطلاعات ارائه نمود.

«پتیگرو» در پژوهش خود (۱۹۹۹) در ارتباط با جریان اطلاعات خدمات انسانی در یک کلینیک، چهار گروه از بافتها را استخراج نمود: ۱- عوامل محیطی ۲- فعالیتهای کلینیک و عوامل مرتبط با آن ۳- پرستاران ۴- بیماران. وی همچنین دریافت که اگرچه هر گروه از عوامل بافتی، جریان اطلاعات را در کلینیک از جنبه‌های متعددی تحت تأثیر قرار می‌دهند، زمانی که به طور جمعی مورد ملاحظه قرار گیرند، بافت بزرگی را خلق می‌کنند که از طریق آن می‌توان یافته‌های مفهومی گسترده‌تری را استنباط نمود.

«پتیگرو» با استناد به «تومینن و ساولینن» (۱۹۹۷) نتیجه می‌گیرد که مطالعه استفاده از اطلاعات را نمی‌توان صرفاً برحسب یک فرد یا خارج از یک بافت اجتماعی خاص انجام داد و چالش پیش روی پژوهشگران رفتار اطلاعاتی، شناسایی این عوامل بافتی و درک پیامدهای آنهاست. به اعتقاد «پتیگرو» (۱۹۹۹) برای مطالعه بافت، هر دو چارچوب تحلیلی و نظری باید به کار گرفته شوند. این چارچوب بافتی اجتماعی، پتیگرو را به کشف نظری مفهوم محیط اطلاعاتی^۱ سوق داد.

«فیشر، دارنس و هینتن» (۲۰۰۴) نیز با استفاده از نظریه محیط اطلاعاتی و تأکید بر مفهوم بافت، به مطالعه خدمات مورد نیاز مهاجران نیویورک پرداختند. آنها موفق شدند بافت بزرگی را استخراج کنند که از سه بافت فرعی - مهاجران نیویورکی، کتابخانه عمومی کوینز بارو و خدمات و فعالیتهای آن و کارکنان کتابخانه عمومی کوینز بارو تشکیل یافته بود.

.....
1. Information Ground. (زمینه اطلاعاتی نیز ترجمه شده است)

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد، مفهوم *بافت* تاکنون به طور دقیق تعریف نشده و در توصیف آن، مفاهیم و رویکردهای بسیاری به کار گرفته شده‌اند. مباحث فراوانی در ارتباط با ضرورت ارائه تعریف دقیقی از *بافت* با اکتفا به استدلال تقریبی از محتوای آن وجود دارد تا به پرسشهایی مانند آنچه در ذیل می‌آید، پاسخ داده شود:

آیا شکل‌گیری مفهوم *بافت* در طول زمان صورت یافته است؟ آیا مفهومی مجزا یا پیوسته است و چه شیوه‌ای برای تعریف مرز میان مفهوم *بافت* و دیگر مفاهیمی نظیر وضعیت یا رویداد و ... به کار گرفته شده است؟

بافت اطلاع‌یابی ممکن است توسط مؤلفه‌های مختلف بسیاری نظیر زمان و مکان ظهور نیاز اطلاعاتی، زمان جستجوی اطلاعات، نوع مشارکت کنندگان فرایند جستجو، به عنوان مثال، ویژگیهای جمعیت‌شناختی، اجتماعی، حرفه‌ای، آموزشی و رفتاری آنها، هدف از جستجوی اطلاعات، وظیفه عینی که این اطلاعات برای آن مورد جستجو قرار گرفته است، فرایندها و وضعیتهای جستجوی اطلاعات و بسیاری دیگر توصیف گردد. نسخه‌های بافتی گوناگون بی شماری در بررسی گزارشگران ارائه شده‌اند.

بنابراین، دیدگاه‌های بسیاری در ارتباط با چیستی *بافت* وجود دارد، اما هیچ یک از آنها وارد جزئیات نشده‌اند. لازم است تأکید شود که معرفی مفهوم *بافت*، عبور از مطالعات مربوط به برخی فرایندهای آرمانی جستجوی اطلاعات را که توسط فردی با شرایط نامعین اجرا می‌گردد، به پژوهش رفتار اطلاع‌یابی واقع‌گرا ممکن می‌سازد. رفتار اطلاع‌یابی واقع‌گرا، هم موارد ویژه و هم تأثیرات آنها بر خود فرایند اطلاع‌یابی، انتخاب راهبردهای جستجو، منابع اطلاعاتی، روشهای ارزیابی کیفیت اطلاعات، اعتبار و ربط را دربر می‌گیرند. با استفاده از این رویکرد،

سازماندهی پشتیبانی اطلاعاتی از کاربرانی ویژه با نیازهای عینی تحت شرایط ویژه امکان پذیر خواهد شد (گاسلیکوا^۱، ۱۹۹۹).

بافت، برای درک تمامی انواع فرایندهای اطلاعاتی، به عنوان مثال، سازماندهی، فراهم آوری و اطلاع‌یابی، نقشی محوری ایفا می‌کند. بنابراین، گزینش و نظریه‌پردازی دربارهٔ بافت باید یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های حرفه‌مندان اطلاعاتی باشد. بدین ترتیب، جای شگفتی نیست که تاکنون تمام پژوهشهای انجام گرفته در حوزه رفتارهای اطلاعاتی مبتنی بر یک بافت خاص مانند گروه‌های خاص یا محیط‌های خاص بوده است.

به نظر می‌رسد ارائه تعریفی دقیق و جامع و مانع از یک مفهوم انسانی و اجتماعی مانند آنچه در حوزه علوم پایه و طبیعی روی داده، انتظاری ساده‌لوحانه و غیرمنطقی است، اما این یک رویکرد پوزیتیویستی است که هنوز هم بر اندیشه بسیاری از پژوهشگران دیگر حوزه‌ها سایه افکننده است. به همین دلیل، آنها انتظار دارند تعریف به معنای ارسطویی از آن ارائه کنند.

نتیجه اینکه، به گفتهٔ «دروین» (۱۹۹۷) بافت چالش بزرگی به نظر می‌رسد، درست مانند آنکه بخواهیم یک دیو سرکش را رام کنیم. این دشواری در ویژگیهای متعدد بافت و عوامل بافتی رفتار اطلاعاتی، انعکاس یافته است.

منابع

- آریان پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۷). فرهنگ یک جلدی پیشرو آریان پور: انگلیسی - فارسی. تهران: جهان رایانه.

- American Heritage Dictionary (2nd edition) (1985). Boston: Houghton Mifflin Co.
- Fisher, Karen E.; Durrance, Joan C.; and Hinton, Marian B. (2004). "Information grounds and the use of need-based services

.....
1. Gaslikova.

- by immigrants in Queens, New York: A context-based, outcome evaluation approach". **Journal of the American Society for Information Science and Technology**, 55(8): 754-766. Available at: <http://ibec.ischool.washington.edu/pubs/JASIST.2004.Info.Ground.pdf>
- Gaslikova, Irina (1999). "Information Seeking in Context and the development of information systems". **Information Research**, 5(1). Available at: <http://informationr.net/ir/5-1/paper67.html>
 - Guest editorial (2002). "Issues of context in information retrieval (IR): an introduction to the special issue". **Information Processing and Management** 38 (2002) 605-611. Available at: www.sciencedirect.com
 - Johnson, David J. (2003). "On contexts of information seeking". **Information Processing and Management** 39 (2003) 735-760. Available at: www.sciencedirect.com
 - Kari, Jakko; Savolainen, Reijo (2007). "Relationships between information seeking and context: A qualitative study of Internet searching and the goals of personal development". **Library and Information Science Research** 29 (2007) 47-69. Available at: www.sciencedirect.com
 - Kuhlthau, Carol C.; and Vakkari, Pertti (1997). "Information Seeking In Context (ISIC)". **Information Processing and Management**, 35(6): 723-725. Available at: www.sciencedirect.com
 - Pettigrew, Karen. E. (1999). "Waiting for chiropody: Contextual results from an ethnographic study of the information behavior among attendees at community clinics". **Information Processing and Management**, 35(6), 801-817. Available at: <http://ibec.ischool.washington.edu/pubs/foot.clinic.1999.pdf>
 - Sonnenwald, Diane H. (1999). "Evolving perspectives of human information behavior: contexts, situation, social networks and information horizons". In: Wilson, T and Allen, D. (Eds.) (1999). **Exploring the contexts of information behaviour** (pp. 176-190). London: Taylor Graham.
 - Talja, Sanna; Keso, Heidi; Pietilainen, Tarja (1999). "The production of 'context' in information seeking research: a metatheoretical view". **Information Processing and management** 35 (1999) 751-763. Available at: www.sciencedirect.com